



«چرخش استراتژیک پاکستان: از حمایت به تقابل با طالبان؟»

گزارش

مقدمه

سیاست خارجی و امنیتی پاکستان در قبال طالبان یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین مسائل در دینامیک‌های منطقه‌ای جنوب آسیا بوده است. پاکستان که زمانی به‌عنوان یکی از حامیان اصلی طالبان شناخته می‌شد، اخیراً نشانه‌هایی از تغییر سیاست اساسی نشان داده و به سمت مخالفت با این گروه حرکت کرده است. این چرخش استراتژیک، که تحت تأثیر عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گرفته، پیامدهای عمیقی برای امنیت منطقه‌ای، روابط پاکستان با همسایگانش به‌ویژه افغانستان و جایگاه آن در نظم جهانی دارد. سمینار با عنوان «چرخش استراتژیک پاکستان: از حمایت به تقابل با طالبان؟» بستری را فراهم می‌کند تا این تحولات بررسی شده، عوامل پشت این تغییر تحلیل گردد و تأثیر آن بر آینده منطقه ارزیابی شود.

موضوعات کلیدی بحث:

- ❖ ریشه‌های تاریخی حمایت پاکستان از طالبان
- ❖ تحلیل عوامل محرک تغییر سیاست پاکستان
- ❖ پیامدهای استراتژیک و منطقه‌ای
- ❖ پیشنهادهای سیاست‌های توصیه‌شده

سخنرانان

این پنل شامل سخنرانان برجسته‌ای از جمله آقای محسن داور، آقای محمد عمر داوودزی و جنرال اسد درانی بود که هر یک دیدگاه‌های خویش را در این موضوع ارائه کردند.

تحلیل دیدگاه سخنرانان:

آقای محسن داور

- ❖ یک ذهنیت و انگیزه عمدی در خیر پختونخوا ایجاد شد که از طریق رسانه‌ها، فیلم‌ها و برنامه‌های درسی مدارس، محیطی برای جنگ و جهاد در افغانستان ترویج شد.
- ❖ شبه‌نظامیان از سراسر جهان به مناطق پشتون‌نشین آورده شدند و ساکنین محل مورد سرزنش قرار گرفتند.
- ❖ پاکستان همواره نقش پیمانکار محلی برای ایالات متحده را ایفا کرده و با تسهیل به قدرت رسیدن طالبان، به دنبال هژمونی منطقه‌ای از طریق این پروژه کنترل‌شده بوده است.
- ❖ پس از توافق دوحه، جمهوری افغانستان به رسمیت شناخته نشد و ایالات متحده خواستار استفاده از این منطقه علیه گسترش اقتصادی چین بود.
- ❖ طالبان افغان و تحریک طالبان پاکستان (TTP) دوروی یک سکه هستند.
- ❖ پاکستان اراده جدی برای توقف افراط‌گرایی و تروریسم ندارد.
- ❖ حمله هوایی پاکستان به کابل بی‌سابقه بود و تنها به دلیل عدم مشروعیت طالبان ممکن شد.



ابتکار برین برای توسعه

Baren Initiative for Development (BID)

آقای محمد عمر داوودزی

- ❖ افغانستان در واقع تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از پاکستان به عنوان «عمق استراتژیک» خود استفاده می کرد، اما پس از آن شرایط تغییر کرد.
- ❖ وضعیت هسته ای پاکستان، سیاست عمق استراتژیک را بی فایده کرد و در عوض، دکترین «پل استراتژیک» جایگزین شد، جایی که افغانستان پلی به سوی آسیای مرکزی بود.
- ❖ ایجاد یک موقعیت برد-برد و اعتمادسازی برای یک چارچوب مشترک بین افغانستان و پاکستان ممکن است و در گذشته نیز برقرار شده بود، اما توافق دوحه همه چیز را از بین برد.
- ❖ توافق دوحه یک بازی منطقه ای بود که ایران و روسیه را نیز در بر می گرفت.
- ❖ هزینه حمایت از طالبان در خون و مصارف دالر کم بود، برای ایالات متحده ارزان تر و آسان تر برای حفظ منافع آمریکا بود.
- ❖ بی اعتمادی بین پاکستان و افغانستان به خط دیورند و روابط کابل با هند مربوط می شود، اما روابط مردم با مردم خوب است.
- ❖ طالبان خطری برای بشریت هستند.

جنرال اسد درانی

- ❖ از نظر تاریخی، نقش پاکستان همواره حمایت از مقاومت در برابر اشغال خارجی، از جمله ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی بوده است.
- ❖ عمق استراتژیک سیاست یک فرد بود.
- ❖ پاکستان در دو سوی مرز خود، با هند و افغانستان، تنش ایجاد کرده است.
- ❖ پشتون ها به دلیل جغرافیا و قرار گرفتن در تقاطع قدرت ها، نه به طور عمدی، در مرکز درگیری ها قرار دارند.
- ❖ روابط ایالات متحده و پاکستان در حال حاضر خوب نیست، اما هر دو دیدگاه های متفاوتی نسبت به جهان دارند.
- ❖ پاکستان دیگر از حضور ایالات متحده در افغانستان، مانند مورد بگرام، حمایت نخواهد کرد.

استراتژی های پیشنهادی و نتیجه گیری

- ❖ باید سفر و تجارت آزاد مرزی بین افغانستان و پاکستان اجرا شود، مشابه آنچه بین آلمان و فرانسه وجود دارد.
- ❖ تغییر رژیم نتایج مثبتی به همراه ندارد، بلکه تغییر رهبری مورد نیاز است. اگر رهبری تغییر کند، منطقه می تواند با شرایط و اصلاحاتی که در این مرحله توسط افغان ها پذیرفته شده، تعامل را آغاز کند.
- ❖ هر دو طرف باید دولت های مشروعی داشته باشند که از حمایت مردم برخوردار باشند تا بتوانند در یک جلسه مشترک لویه جرگه برای یافتن راه حل برای همکاری به توافق برسند.